

کتاب جز از کل بزرگ‌ترین رمان تاریخ استرالیا است که در سال ۲۰۰۸ نامزد جایزه‌ی من بوکر شد. در این سال رمان «ببر سفید» نوشته‌ی «آراویند آدیگا»، نویسنده‌ی هندی-استرالیایی برنده‌ی این جایزه شد در حالی که برخی از منتقدان بر این باور بودند کتاب «استیو تولتز» هم شایسته‌ی دریافت این جایزه‌ی بود. این کتاب تنها یک رمان جذاب نیست بلکه اظهارنظرهایی فلسفی درباره‌ی زندگی بشر است که با قلم جادویی به نگارش درآمده است. نویسنده شخصیت‌های این قصه را با کمی اغراق در میان داستانی پرفرازونشیب قرار داده و آن‌ها را محکوم به زندگی و ادامه‌ی حیات کرده است. این رمان بلند درباره‌ی آزادی، روح، عشق، مرگ و معنای زندگی صحبت می‌کند و با چنین جملات میخکوب کننده‌ای شروع می‌شود: «هیچ وقت نمی‌شنوید ورزشکاری در حادثه‌ای فجیع حس بویایی‌اش را از دست بدهد. اگر کائنات تصمیم بگیرد درسی دردناک به ما انسان‌ها بدهد، که البته این درس هم به هیچ درد زندگی آینده‌مان نخورد، مثل روز روشن است که ورزشکار باید پایش را از دست بدهد، فیلسوف عقلش، نقاش چشمش، آهنگساز گوشش و آشپز زبانش. درس من؟ من آزادی‌ام را از دست دادم...»

خلاصه داستان جزء از کل

«مارتین» و «تری» دو برادر از یک خانواده‌ی معمولی استرالیایی هستند که در ابتدا شبیه به همه‌ی مردم عادی زندگی می‌کنند ولی پس از مدتی «تری» به یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های ورزشی استرالیا تبدیل می‌شود و تمام مردم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. او با وجود آنکه قهرمان مردمش می‌شود ولی زندگی‌اش با یکی از زندانی‌های تبه‌کار استرالیایی گره می‌خورد و راهی زندان می‌شود. «مارتین»، برادر او پس از سوزاندن کل شهر در حالی که در این فکر است برادرش در سلول انفرادی تاریک زندان شهر در حال سوختن است و او را برای همیشه از دست داده است خانه خود را ترک می‌کند و با فصل جدیدی از زندگی در پاریس روبه‌رو می‌شود.